

# خشکسالی تمام کشور را فراگرفته است؛ از قزوین تا آذربایجان

## نقطه پایان زاینده رود

سهم 69 درصدی عوامل انسانی در خشک شدن دریاچه ارومیه

گروه اجتماعی

دیروز يك گزارش تصویری در یکی از خبرگزاری‌ها منتشر شد که متن و تصاویر دردناکی را به نمایش می‌گذاشت. در این گزارش تصویری، تصاویری از نقطه پایانی «زاینده رود»؛ محل تلاقی زاینده رود و گاوخونی ثبت شده بود؛ جایی که دیگر امروز اثری از این تلاقی نیست و زمین خشکیده، از بی‌آبی و تشنگی، به سفیدی می‌زند. در گزارش همراه این تصاویر هم خبرنگار این‌طور توضیح می‌داد که کشاورزان و دامدارانی که در نقطه پایانی زاینده رود، ساکن هستند، از بی‌آبی و خشکی مراتع و مزارع و باغاتشان به تنگ آمده‌اند و هر روز، شاهد مرگ دردناک دام‌ها یا مزارعشان هستند.

در این گزارش نوشته شده بود که جریان زنده رود که برای سال‌ها و قرن‌ها، مسافتی در حدود 400 کیلومتر از ارتفاعات زاگرس را می‌پیموده تا به این نقطه پایان برسد، حالا دیگر قرارگاهی هم ندارد چون این مسیر، سال‌هاست که به سبب خشکسالی و سوءمدیریت در هدایت جریان آب زنده رود، خشکیده و دیگر هیچ اثری از طراوت و شادابی دشت و انسان به چشم نمی‌آید.

در شهرستان ورزنه؛ کشاورزان و دامداران آماده‌اند که قصه پرغصه خشکیدن نقطه تلاقی زاینده رود و تالاب گاوخونی را روایت کنند. حسینعلی میراحمدی، از کشاورزان ورزنه به این خبرنگار می‌گوید که سه قسمت از شهرستان، کاملاً خشک و بی‌آب شده درحالی که کشاورزی و دامداری شغل اصلی اهالی شرق اصفهان بوده اما از سال ۸۴ به این طرف آب به ورزنه نرسید در حالی که کشاورزان این منطقه سندهای حقا به شرعی و قانونی از زاینده رود دارند. به گفته این کشاورز، با نرسیدن آب زاینده رود به ورزنه، نه تنها کشاورزی و دامداری این بخش

از اصفهان دچار بحران شده، حتی محیط‌زیست این منطقه نیز در معرض خطر جدی قرار گرفته است.

محمد مددی، کشاورز دیگری از اهالی شهرستان ورزنه است که برای خبرنگار می‌گوید به دلیل خشکیدن زاینده‌رود و افزایش مشکل بیکاری طرف دو دهه گذشته، بیشتر جوانان ورزنه مهاجرت کردند و به خوزستان و لرستان و شهرهای دیگر رفته‌اند و در غربت کار می‌کنند و دیگر جوانی در منطقه نمانده که کشاورزی منطقه پابرجا باشد.

سعید حیدری‌زاد، رییس شورای اسلامی شهرستان و عضو شورای شهر ورزنه هم با تایید مشکلاتی که به دنبال قطع جریان جاری آب زاینده‌رود به شرق اصفهان ایجاد شده، می‌گوید: «ورزنه کانون بحران خشکی زاینده‌رود است و بیشترین آسیب را به دلیل بعد مسافت دیده و در حالی که رساندن آب، هر مقدار برای کشاورزان ورزنه اهمیت زیادی دارد، برداشته‌های مجاز و غیرمجاز در طول مسیر باعث شده آبی به ورزنه نرسد. تقریباً ۲۰ سال است اعلام می‌کنند خشکسالی است، درحالی که ما در ورزنه می‌گوییم خشکسالی نیست، سوءمدیریت است. چون آب را بین چند استان پخش کردند و مدیریت هم نمی‌کنند.»

به دنبال این توضیحات، رضا خلیلی ورزنه، مدیرعامل انجمن دوستداران میراث طبیعی و محیط‌زیست ورزنه هم توضیح می‌دهد که زاینده‌رود پس از طی ۳۰ کیلومتر مسیر و عبور از شهر ورزنه، به تالاب گاوخونی می‌رسد، اما امروز دیگر آب حرکتی ندارد و نه تنها مانداب، زهاب و پساب‌های کشاورزی تراوش می‌کند، برداشته‌های غیرمجاز امان کشاورزان و دامداران منطقه را بریده، علاوه بر آنکه قبلاً پرندگان مهاجر زیادی در این منطقه مشاهده می‌شد چون زیست‌بوم زنده بود، ولی الان تقریباً زیست‌بوم تخریب شده و کمتر از ۱۰ قطعه فلامینگو بیشتر نیامدند، درحالی که قبلاً جمعیت صد هزار به بالا می‌آمدند و اینجا نوعی استراحتگاه پرندگان بود و زمانی هم گاوخونی بیش از ۴۰ گونه پرنده و تنوع زیست‌محیطی بالایی داشت، در حالی که آخرین سیلابی که گاوخونی دریافت کرد زمستان ۸۴ بود و بهترین بهار را سال ۸۵ داشت اما یک‌مرتبه با قطع جریان آب، ماهی‌ها هم مردند.»

این فعال محیط زیست می‌گوید: «گاوخونی یکی از مظلوم‌ترین تالاب‌های کشور است که در بدترین نقطه بین استان اصفهان و یزد واقع شده است. کشاورز می‌تواند فریاد بزند و یک قطره آب بگیرد ولی گاوخونی کسی را ندارد که از حقیقت دفاع کند.»

چوپان پیری هم که با گله بز رگ می‌شود، بزهایش مشغول خوردن خار و خاشاک و خاک هستند و چوپان می‌گوید که گله‌اش ۵۰۰ تا بوده و حالا به صدها رسیده علاوه بر آنکه هیچ جا علف هم نیست چون در این منطقه، ۱۲ سال است که خشکسالی است و آبی برای کشت و زرع وجود ندارد و

بنابراین، چاره‌ای جز نگهداری بز نمانده چون خرج کمتری نسبت به باقی دام‌ها دارد.

دامدار دیگری هم کاهدان خالی دامداری‌اش را نشان می‌دهد و می‌گوید که رمه‌ها هیچ چیز برای خوردن ندارند؛ نه جو و نه کاه و نه آذوقه و این‌طور پیش برود ۵ ماه دیگر بیشتر دام‌ها؛ حتی یک بز هم زنده نمی‌ماند و همینم هست که امروز دامداران منطقه، ماشین ماشین دام می‌برند کشتارگاه در حالی که رمه گرسنه، حتی به درد کشتارگاه هم نمی‌خورد بلکه چون خودش خوراک خودش می‌شود، دامداران به این متوسل شده‌اند که دام را بفروشند تا برای باقی رمه خوراک بخرند.

این حرف‌ها را محمد هاشم‌پور؛ دامپزشکی که برای معاینه دام‌های منطقه آمده هم تایید می‌کند و می‌گوید در این دو سال وضعیت دامداران خیلی بدتر بوده چون دام‌ها دچار سوء تغذیه شده‌اند آن‌هم به این دلیل که کاه نیشکر و نان خشک خورده‌اند و بنابراین، پشم‌شان ریخته و گوشت‌شان از بین رفته است علاوه بر آنکه با خوراک بی‌کیفیت، سوء هاضمه و سوء تغذیه گرفته‌اند و زود هم تلف می‌شوند.

مردم منطقه، بیش از آنکه از خشکسالی یا سوء مدیریت در هدایت جریان زاینده‌رود به شرق اصفهان شاکی باشند از واکنش‌های قهری دولت‌ها در قبال اعتراضات‌شان دلخورند.

چنانکه یکی از کشاورزان منطقه، برای خبرنگار تعریف می‌کند که «یک سال رفتیم اعتراض کردیم گفتند اینها ارادل و اوباشند! یک سربازشان به من فحش داد گفت شما اخلاگری! کارت جانبازی‌ام را نشان دادم، گفتم آن وقت که من رفتم جبهه شما کجا بودی که حالا به من فحش می‌دهی؟»

کشاورزان منطقه، همچنین برای خبرنگار تعریف می‌کنند که «سطح آب چاه‌ها به علت خشکسالی خیلی پایین آمده، قبلا ۱۰، ۱۲ متر می‌کنندیم به آب می‌رسیدیم ولی الان ۲۰ تا ۲۵ متر باید بکنیم تا شاید به آب برسیم، آن‌هم آبی که خیلی شور است و چون شور است بلا استفاده می‌ماند. هزینه کردن چاه هم خیلی زیاد است و حدود متری یک میلیون تومان آب می‌خورد، تازه اگر آبی باشد! همه چاه‌های سطحی هم خشک می‌شود.»

حکایت خشکیدن زاینده‌رود و جوارش، فقط شرق اصفهان را گرفتار نکرده، حالا از اقصا نقاط کشور خبر می‌رسد که خشکسالی و بی‌آبی و فرونشست زمین و قحطی طراوت به همراه سوء مدیریت سنواتی و چندساله در مدیریت منابع آب، روح مردم را بیمار کرده و دیگر امیدی به فردای روشن ندارند.

دیروز مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای زنجان با هشدار نسبت به وضعیت بحرانی آب در استان گفت: «واقعیت این است بحران آب در استان

زنجان بسیار جدي است؛ کاهش میزان بارندگيها سبب شده تا ورودی آب سدهای استان بسیار کاهش پیدا کند که این امر در نهایت در ماههای پیش رو استان را با چالش جدي کم آبی مواجه خواهد کرد.»

نماینده مردم کنگاور، صحنه و هرسین در مجلس هم دیروز با هشدار درباره بحران جدي برای آبیاری کشت در منطقه خطاب به وزیر نیرو گفت: «مردم کنگاور، صحنه و هرسین را از تشنگی نجات دهید؛ کشاورزان عزیز ما برای آبیاری باغات خود آب ندارند. ۱۴ سال از شروع ساخت ۲ سد کبوترلانه کنگاور و قشلاق صحنه میگذرد اما متأسفانه با بی‌مهری مسوولان هنوز تکمیل نشده‌اند و همچنان درگیر تامین اعتبار برای تملک اراضی هستند.»

از استان خوزستان هم خبر رسیده که دیروز، محمد کعب عمیر؛ نماینده مردم شوش در مجلس با تاکید بر لزوم تامین حقا به شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه با تاکید بر اینکه این شرکت باید کشت تابستانه انجام دهد و نیاز به ۲۷ مترمکعب آب دارد، در تذکر شفاهی به رییس‌جمهوری گفته: «با توجه به مساله کم آبی و خشکسالی، هیات دولت ممنوعیت کشت در حوزه آبریز کرخه را مصوب کرده اما چرا تاکنون خسارت عدم کشت یا نکشت به کشاورزان خوزستان پرداخت نشده است؟»

استان قزوین هم وضعیتی بهتر از باقی استانها ندارد اگرچه مشکل پیش روی این استان، در ظاهر از جنسی دیگر است اما در واقع، همان مشکل بی‌آبی و خشکسالی است که به این استان هم رسیده و در شکل فرونشست دشت قزوین خود را نشان داده است. طبق گزارش خبرگزاری ایلنا، فرونشست دشت قزوین از سه سانتی‌متر در دهه گذشته، به ۱۲ سانتی‌متر در سال رسیده که خشکسالی و افت شدید سطح آب‌های زیرزمینی عامل اصلی این پدیده است و این امر تهدیدی جدي برای استان است که می‌تواند خسارتهای غیرقابل جبرانی را برای زیرساخت‌ها، راه و شهرها ایجاد کند.

به استناد این گزارش، کمبود بارشها و برداشتهای بی‌رویه از منابع آب‌های زیرزمینی در سال‌های اخیر باعث شده پدیده فرونشست در استان قزوین روز به روز افزایش پیدا کند چنانکه طبق بررسی‌های علمی انجام شده، دشت قزوین در فاصله سال‌های ۸۲ تا ۸۹ سالانه بین ۲.۵ تا ۳ سانتی‌متر و طی ۷ سال گذشته در مجموع ۳۰ سانتی‌متر فرونشست داشته علاوه بر اینکه طبق اعلام کارشناس کمیته تحقیقات شرکت آب منطقه‌ای قزوین، نتایج یک پژوهش بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ نشان داد که نرخ فرونشست متوسط سالانه آبخوان دشت قزوین برابر با ۳.۲۵ سانتی‌متر و حداکثر مقدار آن برابر با ۱۲.۹ سانتی‌متر است.

در سال گذشته مدیرکل مدیریت بحران وقت استان هم اعلام کرده بود که ۴۵ درصد دشت قزوین دچار فرونشست شده در حالی که در این محدوده

بحراني، 130 روستا با جمعيت بيش از 90 هزار نفر مستقر هستند اما دقيقاً در همين محدوده سالانه 2 تا 17 سانتي‌متر فرونشست همزمان با افت سالانه 50 سانتي‌متر چاه‌ها در حال وقوع است.

مديرعامل شركت آب منطقه‌اي قزوین درباره میزان افت منابع آب‌هاي زیرزمینی به خبرنگار ایلنا گفته است: میزان افت منابع آب‌هاي زیرزمینی در سال‌هاي مختلف، متفاوت است. قبل از سال 93 تا حدود يك متر و 70 سانت هم افت داشتیم و در سال 1400 و 1401 و به دنبال مواجهه با خشکسالي و كمبود آب‌هاي سطحي و کاهش میزان آب رودخانه‌ها، میزان آب‌هاي زیرزمینی هم تا 70 سانتي‌متر کاهش پیدا کرد. طبق بررسی شركت آب منطقه‌اي، میانگین فرونشست سالانه بین 3 تا 12 سانتي‌متر محاسبه شده است.»

پیشروی بحران فرونشست در دشت قزوین در حالی است که طبق هشدار مدیرکل راه و شهرسازی استان قزوین با فرونشست زمین، راه‌ها و ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها هم در معرض خطر قرار خواهند گرفت و در صورت پیشروی فرونشست‌ها به سمت مناطق مسکونی ممکن است با يك فاجعه مواجه شویم چنانکه به گفته این مقام مسوول، بیشتر فرونشست‌هاي استان قزوین تاکنون بیشتر در حریم خارج از شهرها و مناطق مسکونی و بیشتر در منطقه بویین‌زهرها بوده که دلیل اصلي این اتفاق هم برداشت بیرویه از آب‌هاي زیرزمینی و کاهش سطح این منابع است.

چند روز قبل هم علي حاجي مرادي؛ کارشناس ارشد حوزه آب و مسوول واحد فني ستاد احیاي دریاچه ارومیه با هشدار اینکه تغییراتی که در این حوزه آبریز در ۲۸ سال اخیر رخ داده منحصر به فرد است، گفت: «مطالعات دیرینه‌شناسي که توسط دو محقق ایرانی دانشگاه میامی بر دریاچه ارومیه انجام شد، حاکی از آن است که حتي در زمانی که میزان بارش آن ۱۸۰ میلی‌متر (کمترین میزان بارندگی و خشکسالي) بوده، این دریاچه خشک نشد و این نشان می‌دهد اتفاقاتی که در این حوزه در سال‌هاي اخیر رخ داد، ناشی از عوامل غیرطبیعی بوده است. تراز دریاچه ارومیه و بارش در این دریاچه از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۹۲ کاهش یافته چنانکه تراز ارومیه در سال ۱۳۷۴ به ۱۲۷۸ متر، در سال ۸۴ به ۱۲۷۴ متر و در سال ۹۴ به ۱۲۷۰ متر رسید که رفتار کاهشي تراز این دریاچه کاملاً مستقل از میزان بارش سالانه حوزه آبریز آن بوده به این جهت که در خشک شدن دریاچه ارومیه، عوامل انسانی و طبیعی دخیل است به این معنا که سهم عوامل طبیعی در خشک شدن دریاچه ارومیه ۳۱ درصد است که شامل کاهش ۱۸ درصدی بارش و افزایش ۱۰۵ درصدی دما در دو دهه اخیر نسبت به دوره بلندمدت است اما سهم عوامل انسانی ۶۹ درصد است که شامل توسعه کشاورزي و احداث سدها و افزایش برداشت از منابع آب زیر زمینی میشود.»

□□□□□□ 1401 □□□□□ 26 □□□□□□ □□□□□□□ :□□□μ